DOI: 10.22067/geography.v16i1.63889

بررسی اثر یارانهٔ نقدی بر رفاه خانوارهای روستایی استان خراسان رضوی

آرش دوراندیش (دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
dourandish@um.ac.ir
افسانه نیکوکار (استادیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
anikoukar57@gmail.com

صص ۱۱۶ ـ ۸۹

چکیده

اهداف: هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر یارانهٔ نقدی دولتی بر شاخص‌های رفاه (کالری و پروتئین مصرفی به‌عنوان شاخص‌های امنیت غذایی و درآمد) خانوارهای روستایی است.

روش: با توجه به چند بعدی بودن ماهیت رفاه، عوامل مؤثر بر آن با استفاده از سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط پانل بررسی شد. برای دستیابی به هدف، از اطلاعات درآمد – مخارج خانوارهای روستایی استان خراسان رضوی مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است.

یافته‌ها/ نتایج: نتایج گویای این است که تحصیلات، نوع فعالیت، مخارج غذایی، سطح زیرکشت و مساحت باغ تأثیر مثبتی بر شاخص‌های رفاه دارند. همچنین، مشخص شد که سیاست پرداخت یارانهٔ نقدی، درآمد خانوارها را افزایش داده است. اگرچه، با توجه به تورم شدید، درآمد واقعی خانوارها کاهش یافته است و در نتیجه مصرف کالری و پروتئین به ترتیب ۰/۲۰ و ۰/۰۷ درصد کاهش یافته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود، دولت نسبت به پرداخت یارانه‌های نقدی تجدید نظر کند و بخشی از آن را در قالب یارانهٔ کالایی روستایی در نظر بگیرد، این امر سبب می‌شود دولت ضمن دستیابی به هدفمندسازی یارانه‌ها، به افزایش رفاه خانوارهای روستایی نیز کمک کند.

کلیدواژه‌ها: یارانهٔ نقدی، شاخص‌های رفاه، خانوارهای روستایی، استان خراسان رضوی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹٦/۰۲/۰۱   تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰٤/۰۵

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم اقتصادی- اجتماعی که از گذشته تاکنون در مجامع، سازمان‌ها و متـون اقتصادی مطرح شده، رفاه است. تأمین رفاه از جمله مهم‌ترین اهداف هر نظام اقتصـادی اسـت و فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی تمـامی اقشـار جامعـه وظیفـهٔ اصـلی کـارگزاران و مسئولان اقتصادی کشور تلقی می‌شود. از این روست که تغییر در رفاه همراه با تغییر در فقر از جمله زمینه‌های ارزیابی نظام‌های اقتصادی به شـمار مـی‌آیـد (عمرانـی و فـرج‌زاده، دهمـرده، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). بنابراین، در کشورهای توسعه‌یافته یکی از هدف‌هـای مهـم سیاسـت‌گـذاران اقتصادی، ارتقای کیفیت، اسـتاندارد و سـطح رفـاه افـراد جامعـه اسـت (صـادقی، عصـاری و مسائلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۳). در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هـدف تلقـی نمی‌شود؛ بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه‌یافته، افزایش رفاه اجتمـاعی را یکـی از هدف‌های اصلی و از معیارهای توسعه‌یافتگی در نظر می‌گیرند.

در دههٔ ۱۹۷۰ درآمد سرانه به‌عنوان معیـار رفـاه مـردم در نظـر گرفتـه مـی‌شـد (صـادقی، عصاری و مسائلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۳). از آن‌جا که آن‌چه رفاه تک‌تـک افـراد جامعـه را تحـت تأثیر قرار می‌دهد، نحوهٔ توزیع درآمد بین افراد جامعه است، فقدان توجه لازم به مفهوم عدالت در به دست آوردن فرصت‌های مناسب بین افراد یک جامعه باعث شد تا ایرادهـای جـدی بـه نگرش صرف به شاخص درآمد سرانه وارد شـود (صـادقی، عصـاری و مسـائلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۳) . از آن‌جا که میزان رفاه اجتماعی خانوارها به میزان درآمد آن‌ها نیز بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی در کـل جامعـه و بـرای اکثریـت خانوارها می‌شود، امروزه توزیع عادلانهٔ درآمد یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسـعهٔ کشـورها به شمار می‌آید (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۹).

دولت‌ها برای دستیابی به ایـن هـدف از ابزارهـای مختلـف و متفـاوتی اسـتفاده مـی‌کننـد (شاطریان و گنجی پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲). اعطای یارانـه از جملـه مهـم‌تـرین راه‌هـای انتقـال درآمد، حمایت از اقشار آسـیب‌پـذیر (عمرانـی فـرج‌زاده، دهمـرده ، ۱۳۸۸، ص. ۲۱)، توزیـع عادلانهٔ درآمدها و ابزاری برای بهبود کارایی برنامه‌های فقرزدایی و دیگر برنامـه‌هـای حمایـت اجتماعی از اقشار آسیب‌پذیر است. در واقع هدفمندسازی از طریق انتقـال منـافع برنامـه‌هـای

ذکرشده به فقرای واقعی، موجب افزایش کارآیی این برنامه‌ها می‌شود (خداداد کاشی و شکیهی تاش، ۱۳۸۸، ص. ۵۳). بنابلراین، بسیاری از دولت‌ها در پاسخ به نیاز برقراری عدالت و توزیع عادلانهٔ درآمدها و با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان، به پرداخت یارانه اقدام می‌کنند.

یارانه به هرگونه پرداخت انتقالی که به منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد و بهبود توزیع درآمد از محل خزانه دولت صورت می‌پذیرد، اطلاق می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰، ص ٤۳). معمول‌ترین روش پرداخت یارانه، تخصیص یارانه به مصرف کالاهای اساسی است. این شکل از یارانه در حالت کلی به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد کالاها و خدمات را در قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار خریداری کنند و هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد (کلمنتس و گرد[1]، ۱۹۹۹، ص. ۱۱۹). درصورتی که این پرداخت‌ها در اختیار گروه‌های هدف قرار گیرد، هدف دولت به خوبی تأمین، و رفاه و امنیت اجتماعی تقویت می‌شود. در غیر این صورت، افزون بر اختلال در نظام قیمت‌ها منجر به بر هم خوردن توزیع عادلانهٔ درآمد می‌شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، پرداخت‌های همگانی و غیرهدفمند، نه‌تنها در ارتقای درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر تأثیری ندارد؛ بلکه منافع این پرداخت‌ها بیشتر نصیب گروه‌های بالای درآمدی می‌شود (تشکینی، شفیعی و عریانی، ۱۳۸۷، ص. ۱). از سوی دیگر یارانه با تحریف قیمت‌ها، مانع تخصیص بهینهٔ منابع می‌شود و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. همچنین، با ایجاد کسری بودجه و افزایش هزینه‌های اجتماعی، بر اقتصاد ملی آثار جدی بر جای می‌گذارد. اگرچه در برخی کشورها مصرف‌کنندگان با پرداخت قیمت پایین‌تر، ظاهراً از این یارانه‌ها بهره‌مند می‌شوند؛ اما به طور غیرمستقیم متضرر می‌شوند، چون پرداختی یارانه افزایش هزینه‌های عمومی، کاهش رشد اقتصادی و کسری بودجه را در پی دارد (پرمه، ۱۳۸٤، ص. ۵۱). بدیهی است، چنانچه پرداخت هزینه از سوی دولت به صورت یارانه با اهداف مورد نظر در تعارض باشد، علاوه بر اختلال در نظام قیمت‌ها منجر به بر هم خوردن توزیع عادلانهٔ درآمدها می‌شود و به هیچ وجه قابل توجیه نیست. در حالی که اگر یارانه‌ها به صورت نقدی در اختیار گروه‌های هدف قرار گیرد، رفاه اجتماعی تقویت می‌شود. پرداخت

1. Clements and Gerd

یارانه‌ها به شکل مستقیم و نقدی به خانوارها در دهک‌های پایین می‌تواند با افزایش سطح درآمد آنان و ایجاد نقدینگی در بین خانوارها دامنهٔ مصرفی آن‌ها را گسترش داده و در بر طرف کردن نیازهای اساسی آنان مؤثر باشد و نقش اساسی در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه برای آن‌ها داشته باشد. بنابراین، هدفمندکردن یارانه‌ها ضرورتی انکارناپذیراست (قیداری، ۱۳۹٤، ص. ۱۰۸).

هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران از سوی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در طرح تحول اقتصادی مطرح شد (گروه همکاری توسعهٔ اقتصادی، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۹) و در برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت قانون درآمد و دولت ملزم به اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها شد. طبق مادهٔ ۱۰۳ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، هدف دولت حذف یارانهٔ کالاها و خدمات شامل یارانهٔ گندم، برنج، روغن نباتی، قند، شکر، پنیر، شیر، دارو، شیرخشک، کود، بذر، سم و حامل‌های انرژی بود که باید با پرداخت یارانهٔ نقدی به جامعهٔ هدف جایگزین می‌شد؛ اگرچه پیش‌بینی می‌شد که پرداخت یارانهٔ نقدی، موجب افزایش بهره-مندی اقشار کم‌درآمد و بهبود وضعیت رفاهی مردم شود؛ اما با توجه به افزایش تورم و به ویژه قیمت کالاهای اساسی و موادغذایی که بیشترین سهم مخارج خانوارهای کم‌درآمد را تشکیل می‌دهد، به نظر می‌رسد که یارانه‌های نقدی بر خلاف انتظار منجر به بدترشدن وضعیت رفاهی این اقشار شده باشد.

یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت‌ها فراهم ساختن رفاه و توسعه برای کل جامعه به-خصوص جوامع روستایی به‌عنوان اقشار کم‌درآمد است (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲). همچنین، توسعه و گسترش برنامه‌های تأمین رفاه از جمله عوامل مؤثر در ارتقای توانایی‌های بالقوه و تحقق اهداف توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به حساب می‌آید و لازم است به تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها در رفاه خانوارهای روستایی توجه شود. به جهت جدید بودن مسئلهٔ پرداخت نقدی در قالب یارانه‌ها و تأثیر آن در کیفیت زندگی تا کنون تحقیقات زیادی به طور مستقیم برای بررسی اثرات مثبت و منفی انجام نشده است. بنابراین، تحقیقات بیشتر در این زمینه ضروری است (قیداری، ۱۳۹٤، ص. ۱۰۹).

با توجه به این‌که بحث رفاه از موضوعات پیچیده‌ای است که صاحب‌نظران مختلف در مورد آن بحث‌های مختلفی کرده و از جنبه‌های مختلف آن را بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر با ایجاد ارتباط بین یارانهٔ نقدی و شاخص‌های رفاهی، درجهٔ اثرگذاری یارانهٔ نقدی بر رفاه خانوارهای روستایی عضو نمونهٔ مطالعه‌شده خود را سنجش و ارزیابی کرده و راهبردهای مناسبی جهت سیاست‌گذاری آتی پیشنهاد کرده است .

۲. پیشینهٔ تحقیق

مطالعات مختلفی در زمینهٔ هدفمندسازی یارانه‌ها و اثرات آن بر قیمت کالاها، تولید و رفاه انجام شده است که در ادامه به‌صورت اجمالی بررسی می‌شوند.

اولین مطالعه در زمیهٔ هدفمند کردن یارانه‌ها مربوط به سال ۱۹۸۸ است که بورفمن، بوهمن و کارتر[1] (۱۹۸۸) در دانشگاه اقتصاد کالیفرنیا انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که هدفمند کردن یارانهٔ صادرات در کشورهای صادرکننده، باعث از دست دادن رفاه و افزایش قیمت‌ها می‌شود. بنابراین، باید هدفمندسازی یارانه‌ها و حذف دخالت دولت در اقتصاد با شناخت ویژگی‌های مکانی و زمانی صورت پذیرد. پس از آن با موضوع یارانه‌ها و اثرات آن مطالعات زیادی در سراسر دنیا انجام شد. .بررسی دلایل کاهش یارانه در برخی از بخش‌ها در هند (تاکرال[2]، ۱۹۹٤)، بررسی یارانهٔ زغال سنگ از دید اقتصاد سیاسی (اندرسون[3]، ۱۹۹۵)، نقش هدفمندسازی یارانهٔ زغال سنگ در اشتغال و درآمد ملی (بورینگر[4] ،۱۹۹۵؛ دی آر آی[5]، ۱۹۹۷) نمونه‌هایی از مطالعات در سال‌های بعد بودند.

در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ مطالعات در زمینهٔ تأثیر یارانه‌ها و هدفمندی آن در بین پژوهشگران رواج بیشتری پیدا کرد. به طور مثال، احمد و بوئیس[6] (۲۰۰۲) به منظور بررسی وضعیت مصرف خانوارهای مصری، با استفاده از اطلاعات سال ۱۹۹۷ خانوارهای مصری و براساس مدل آزمون تقریب میانگین، به این نتیجه رسیدند که مصرف سرانهٔ خانوارها تابعی منفی از اندازهٔ خانوار، تابعی

1. Borfman, Bohman & Carter
2. Thukral
3. Anderson
4. Bohringer
5. DRI
6. Ahmed and Bouis

مثبت از سطح آموزش و دارایی خانوار است. همچنین، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اگر افراد بـه دو گروه واجد شرایط دریافت کم و زیاد یارانه تقسیم شوند، در هزینه‌های یارانه‌ای دولـت بـه مقـدار قابل ملاحظه‌ای صرفه‌جویی شده و منجر به تعادل درآمدی بیشتر و کاهش فقـر خواهـد شـد. آدامـز[1] (۲۰۰۵) با بررسی آثار توزیعی ناشی از اصلاح نظام پرداخت یارانهٔ موادغذایی در کشور مصر بـه ایـن نتیجه رسید که بیشترین مقدار یارانه به کالاهایی اختصاص می‌یابد که اقشار فقیر و ثروتمند جامعه کـم و بیش به یک میزان از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. به‌عبارت دیگر، پرداخت یارانه‌ها سبب تغییـر وضـعیت فقرا نسبت به ثروتمندان نمی‌شود. وی پیشنهاد می‌کنـد کـه بهتـرین راه هدفمندسـازی یارانـه در ایـن کشور، کاهش تدریجی یارانهٔ کالاهای مشمول و حذف تدریجی کالاها از سبد حمـایتی دولـت اسـت. لی مینگ[2](۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا یارانه‌های بـذر مـی‌تواننـد مـانع از مهـاجرت روسـتایی شهری در مناطق داخلی چین شوند؟» با شواهدی از مطالعات به این نتیجه دست یافت که یارانـه‌هـای بذر و کشاورزی توانسته است از مهاجرت روستا بـه شـهر در اسـتان جیانـگ جلـوگیری و جمعیـت روستایی را احیا کند. جی ها[3] (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «یارانهٔ غذا، انتقـال درآمـد و فقـر: یـک تجزیه تحلیل مقایسه‌ای از سیستم توزیع عمومی در هند» به این نتیجه دست یافت که یارانه‌ای که بـه- عنوان یارانهٔ مواد غذایی به افراد داده می شود تنها بخش اندکی از هزینهٔ هـر فـرد اسـت و ایـن یارانـه باید در اقدامات اساسی و سرمایه‌گذاری به کار گرفته شـود؛ چـرا کـه موجـب نـابرابری در جامعـه و کمبود عرضه و افزایش تقاضا می‌شود .

پژوهشگران داخلی نیز پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها به بررسی اثـرات آن در موضـوعات مختلف پرداخته‌اند. به طوری که بانویی و پروین (۱۳۸۷) با تحلیل های سیاسی آثار حذف یارانـه‌هـای کالاهای اساسی بر شاخص‌های هزینهٔ زندگی به این نتیجه رسیدند که حذف یارانه‌ها موجـب افـزایش هزینهٔ زندگی دهک کم‌درآمد خانوارهای شهری و روستایی شده است. کریمـی، راسـخی و احسـانی (۱۳۸۸) با استفاده از داده‌های بودجهٔ خانوار شهری ایـران و شـاخص قیمـت‌هـای مصـرف‌کننـده در سال‌های ۱۳۸٤–۱۳٦۳ به بررسی تقاضای کوتاه‌مدت و بلندمدت موادغـذایی اساسـی مشـمول یارانـه (قند و شکر، روغن، نان، گوشت و شیر) در مناطق شهری ایران پرداخته‌اند. نتایج ایـن پـژوهش نشـان

1. Adams
2. Lemeng
3. Jha

می‌دهد که به دلیل کم کشش بودن تقاضای اقلام یارانه‌ای نسبت به قیمت، هرگونه کاهش در پرداخت یارانهٔکالاهای یاد شده، به افزایش قیمت منجر شده و مخارج زیادی را به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کند. تغییر ساختار پرداخت یارانه و کاهش تدریجی یارانه‌های پرداختی به نان، قند و شکر و روغن و سوق دادن آن به سمت شیر و گوشت، به صورت کاملاً هدفمند توصیهٔ این مطالعه بوده است. خسروی نژاد (۱۳۸۸) با بررسی تأثیر قیمت نان، قند، شکر و روغن نباتی بر رفاه طبقات پنجگانهٔ خانوارهای شهری به این نتیجه رسید که برای طبقات اول تا سوم، همواره اثرات افزایش قیمت نان بزرگتر از افزایش قیمت در قند و شکر و روغن نباتی بوده و برای طبقات چهارم و پنجم اثر تعدیل قیمت روغن نباتی بیشتر از تعدیل قیمت نان و قند و شکر است. به عبارت دیگر، به دلیل تفاوتی که بین سبد خرید طبقات وجود دارد، تأثیر افزایش قیمت یک کالای خاص در طبقات درآمدی متفاوت است.

قیداری (۱۳۹٤) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل تاثیرات پرداخت یارانه‌های نقدی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی، به بررسی میزان اثرگذاری یارانهٔ نقدی در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی پرداخت. نتایج این پژوهش که بر روی ۱٤ شاخص کیفیت زندگی سنجیده شده است حاکی از آن است که در ۱۵ نقطهٔ روستایی مطالعه‌شده یارانهٔ نقدی تنها در ٤ شاخص درآمد و ثروت، ریسک‌پذیری اقتصادی، توان و قدرت خرید و دسترسی بهداشتی و درمانی اثرگذار بوده است. قاسمی، عبداللهی، خاکشور امان آباد (۱۳۹۳) به بررسی اثرات مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی شهرستان بینالود پرداختند. نتایج تحقیق نشان داده است که در روش تحلیل عاملی از ترکیب ۲۹ متغیر اولیه، ۹ عامل شناسایی شده که ۷۲/٦۷ درصد از واریانس اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها را تفسیر می‌کند. از بین ۹ عامل شناسایی‌شده، اولین و مهم‌ترین عامل «اثرات اقتصادی» بوده که حدود ۵۰ درصد از کل عامل‌ها را تبیین می‌کند، این امر نشانگر اهمیت عامل اول نسبت به عامل‌های بعدی است. عامل دوم و سوم به ترتیب مربوط به اثرات کشاورزی با ۱۱/۱۵ و عامل فرهنگی با ۹/۲۹ درصد کل واریانس است. طولابی‌نژاد، فراهانی و پیرایش (۱۳۹٤) در مطالعهٔ خود به ارزیابی نقش یارانه‌های نقدی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی دهستان جایدر شهرستان پلدختر پرداخته‌اند. نتایج یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بحث رفاه اقتصادی بیشترین تأثیر یارانه‌ها مربوط به مولفهٔ افزایش میزان تقاضای خانوار و میزان مصرف مواد

غذایی است، در بقیهٔ شاخص‌ها نیز تاثیرگذاری مطلوبی داشته است. در بحث رفاه اجتماعی، بیشترین تأثیر اجرای این طرح در شاخص‌های میزان دسترسی به خدمات بوده و در شاخص بهبود موارد تغذیه‌ای و میزان تنوع رژیم غذایی دارای اثرات مطلوب بوده؛ اما در شاخص‌هایی مانند بهره-مندی از خدمات بهداشتی، آموزشی و تفریح و اوقات فراغت تأثیر چندانی نداشته است. قنبری خسروی و محمدی (١٣٩٤) به تحلیل فضایی تاثیر یارانه‌های نقدی بر تغییر الگوی مصرف خانوارهای روستایی دهستان‌های مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد یارانه‌های نقدی در دهستان‌های مطالعه‌شده برای اقشار نیازمند و دهک‌های پایین جامعهٔ روستایی مفید و تاثیرگذار بوده؛ اما برای دهک‌های درآمدی بالا، متوسط ارزیابی شده است .

صادقلو و قیداری (١٣٩٥) اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر توانمندسازی روستاییان عضو کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی شهرستان خدابنده را تحلیل کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در اغلب موارد میانگین شاخص‌ها و گویه‌های مطالعه‌شده، پایین‌تر از حد متوسط نظری است. براساس آزمون کای دو، بیشترین تأثیرگذاری یارانه‌های دریافتی، به‌ترتیب به شاخص بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی، شاخص تنوع‌بخشی رژیم غذایی و افزایش توان و قدرت خرید تعلق دارد. بررسی همبستگی بین متغیر وابسته و مستقل نیز گویای وجود رابطهٔ همبستگی بین آن‌هاست؛ اما نکتهٔ مهم این است که میزان رابطه بین آن‌ها شدت و ضعف‌های متفاوتی دارد. نتایج آزمون رگرسیون بیانگر تأثیر زیاد یارانهٔ نقدی بر شاخص‌های افزایش ریسک‌پذیری اقتصادی (با ضریب بتای ٠/١٨٤)، تنوع‌بخشی رژیم غذایی (با ضریب بتای ٠/١٨١) و افزایش توان و قدرت خرید (با ضریب بتای ٠/١٦٩) است. یاری حصار پریشان، حیدری ساربان (١٣٩٦) به ارزیابی تاثیرات هدفمندسازی یارانه‌ها بر پایداری شاخص‌های اقتصاد روستایی دهستان سردابه شهرستان اردبیل پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که کیفیت شاخص‌های اقتصادی در روستاهای مطالعه‌شده با گذشت نزدیک به یک دهه از اجرای این سیاست تحول چشمگیری پیدا نکرده‌اند. شاخص کل پایداری اقتصادی در روستاهای دهستان سردابه میزان بسیار اندکی رشد یافته است و بین متغیر اصلی پایداری اقتصادی در روستاهای مطالعه‌شده و اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. آقایاری هیر، صادقی، عصاری، سحابی(١٣٩٧) تأثیر یارانهٔ نقدی بر الگوی مخارج خانوارهای شهری و روستایی در ایران را بررسی کردند. این تحقیق، به روش پانل

دیتا و با استفاده از داده‌های هزینه– درآمد خانوار مرکز آمار ایران بین سال‌های ۱۳۹۳–۱۳۸۳ انجام گرفته و یافته‌ها نشان می‌دهد پرداخت یارانه‌های نقدی بر روی هر ۳۱ گروه مخارج خانوارهای شهری و روستایی به جز هزینه‌های بهداشتی درمانی خانوارهای روستایی، تأثیر معنی‌دار داشته و در این بین با اعطای یارانهٔ نقدی سهم ۳ گروه مخارج شهری و ۳ گروه مخارج روستایی، افزایش و سهم ٦ گروه مخارج شهری و ۱ گروه مخارج روستایی کاهش یافته است. جهت تغییر سهم گروه-های مخارج شهری و روستایی، جز در مورد کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات، یکسان بوده است .در هر دو سطح شهری و روستایی گروه‌های مخارجی که سهم آن‌ها افزایش یافته، همگی به لحاظ ماهیت با رفاه جاری خانوار در ارتباط هستند و سهم گروه‌هایی که باعث افزایش رفاه آتی خانوار می‌شود، همگی کاهش یافته و به نظر می‌رسد تغییرات قیمت‌های نسبی پس از اعطای یارانه‌های نقدی به شکلی بوده است که خانوارها را وادار کرده تا هزینه‌های اضافی لازم برای رفع نیازهای اساسی خود را بیشتر از طریق کاهش در هزینه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه‌های آموزش و هزینه‌های بهداشتی و درمانی جبران کنند.

بررسی منابع در دسترس داخلی نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به پیش‌بینی اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر قیمت کالاهای اساسی و رفاه خانوارها پرداخته‌اند؛ لیکن کمتر مطالعه‌ای بعد از اجرای این قانون اثرات رفاهی آن خصوصا بر مؤلفه‌های مورد نظر را تجزیه و تحلیل کرده است که در این مطالعه به این مهم پرداخته می‌شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳. ۱. مبانی نظری

تلاش برای ارائهٔ مفهوم علمی از رفاه توسط پارتو[1] (۱۹۲۳–۱۸٤۸) انجام گرفت. اصل پارتو چنین می‌گوید: «زمانی از بهبود رفاه به معنای واقعی کلمه می‌توان سخن گفت که بهبود وضع زندگی افراد (دست کم یک نفر) به بدتر شدن وضع افراد دیگر(حتی یک نفر) نیانجامد». اصل پارتو بر سه فرض متکی است:

- هر فرد بهترین قاضی رفاه خود است.

1. Pareto

- رفاه اجتماعی منحصراً نتیجه عملکرد رفاه فرد است.
- اگر افزایش رفاه فرد به قیمت کاهش رفاه دیگری تمام نشود، رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ص. ۳۲).

رفاه اجتماعی را می‌توان از ابعاد متفاوتی تجزیه و تحلیل کرد و از روش‌های مختلفی نیز برای محاسبهٔ آن استفاده کرد. به طوری که استفاده از توابع رفاه اجتماعی، استفاده از توابع عرضه و تقاضا و محاسبهٔ مازاد مصرف‌کننده و تولیدکننده و به‌کارگیری شاخص‌ها و معیارهای رفاه اجتماعی و اقتصادی از جمله روش‌هایی است که در مطالعات مختلف برای محاسبهٔ رفاه استفاده شده است. در ادامه هر یک از این روش‌ها به طور مختصر توضیح داده شده است.

۳. ۱. ۱. تابع رفاه اجتماعی

تابع رفاه اجتماعی، رابطهٔ بین سطح رفاه اجتماعی و نحوهٔ تخصیص منابع بین بخش‌های مختلف یک جامعه را مشخص می‌کند. تابع رفاه اجتماعی به مطلوبیت کسب‌شده توسط تک تک افراد جامعه بستگی دارد؛ لیکن هر فرد از مقدار مطلوبیت خود و دیگران خبر ندارد و تنها عوامل مؤثر بر رفاه خود را می‌شناسد. حال مشخص کردن رفاه اجتماعی جامعه با در نظر گرفتن شرایط فوق مشکل به نظر می‌آید؛ اما می‌توان شکل رفاه اجتماعی را به نحو زیر تبیین کرد:

$$w = w(U^1, U^2, \ldots, U^N) \quad \text{رابطهٔ(۱)}$$

اسکیتوفسکی[1] اولین فردی است که به سراغ منحنی‌های بی‌تفاوتی جامعه رفت. هدف در تابع بالا، نقطه‌ای است که در آن، دیگر این امکان وجود نداشته باشد که رفاه فرد مشخصی را بدون کاهش در رفاه افراد دیگر جامعه افزایش دهد (وضعیت کارای بهینه اجتماعی). در چنین وضعیتی نقطهٔ مذکور را بهینهٔ پارتو می‌نامند (موسی‌خانی، ۱۳۷۸، ص. ۴۲). رفاه اجتماعی را براساس نظریات مختلف اقتصاددانان و جامعه‌شناسان می‌توان به صورت زیر برشمرد (صیادزاده و احمدی، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۱–۱۲۵).

---

1. Scitovsky

- تابع رفاه اجتماعی برگسون–ساموئلسون[1]
- تابع رفاه اجتماعی آرو[2]
- تابع رفاه اجتماعی فردگرایانه
- تابع رفاه اجتماعی هرسن[3]
- تابع رفاه اجتماعی اتکینسون[4]
- تابع رفاه مطلوبیت‌گرا
- تابع رفاه اجتماعی راولس[5]
- تابع رفاه اجتماعی سن

۳. ۱. ۲. محاسبهٔ رفاه براساس توابع عرضه و تقاضا

این روش معمولاً برای ارزیابی سیاست‌های مختلف مانند سیاست‌های حمایتی که قیمت-های تعادلی بازار را تغییر می‌دهند، استفاده می‌شود. برای این منظور توابع عرضه و تقاضا را برآورد کرده و با محاسبهٔ سطح زیر این منحنی‌ها در قبل و بعد از اعمال سیاست، تغییرات مازاد مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را به‌عنوان تغییرات رفاه در نظر می‌گیرند.

۳. ۱ .۳. شاخص‌های رفاه

از جمله کارهای مهمی که قبل از دهۀ ۱۹٦۰ در خصوص محاسبهٔ شاخص‌های رفاه انجام شد، کار اوگبرنف[6] جامعه‌شناس دانشگاه شیکاگو بود (شارپ[7]،۱۹۹۹، ص. ۷۲). بعد از آن در دهۀ ۱۹۷۰، روند شاخص‌های رفاه اجتماعی در آمریکا به شکوفایی خود رسید و اقداماتی نظیر راه‌اندازی مرکز مشاورهٔ تحقیقات علمی- اجتماعی برای هماهنگی تحقیقات پیرامون شاخص‌های اجتماعی صورت گرفت. در دهۀ ۱۹۸۰، فعالیت‌های مربوط به این شاخص‌ها روند کندی را دنبال کرد. این امر به جهت محدود شدن پشتیبانی مالی دولت و عدم اثربخشی شاخص‌ها در امر سیاست‌گذاری بود.

---

1. Bergson-Samuelson
2. Arrow
3. HerSen
4. Atkinson
5. Rawlsian
6. William Ogburn
7. Sharp

در همین دهه، اوزبرگ[1](۱۹۸۵) با اشاره به ویژگی‌های یک شاخص رفاه و جامع نبودن شاخص‌های رفاه محاسبه‌شده تا آن زمان، شاخص رفاه اقتصادی را برای کانادا پیشنهاد کرد و اجزا کلی آن را میانگین سطح جریان مصرف، انباشت متوسط موجودی منابع مولد، عدم تعادل در توزیع درآمدهای فردی و عدم اطمینان نسبت به انتظار درآمدها در آینده معرفی کرد و وزن هر کدام را بسته به ارزش‌گذاری جامعهٔ بررسی‌شده، متفاوت در نظر گرفت. در دههٔ ۱۹۹۰ شاخص‌های رفاه اجتماعی با توسعهٔ شاخص‌های ترکیبی، وارد مرحلهٔ جدیدی شد. در سال ۱۹۹۸، مرکز مطالعات استانداردهای زندگی روند شاخص رفاه اقتصادی را برای کانادا محاسبه و پس از آن شروع به گسترش این شاخص و اندازه‌گیری آن برای کشورهایی چون آمریکا و کشورهای عضو سازمان توسعهٔ همکاری‌های اقتصادی کرد. لند[2](۱۹۹۹) کاربرد این شاخص‌ها را بیشتر برای نشان‌دادن وضعیت اجتماعی، کمک به شناسایی تغییرات و راهنمایی جهت مداخله به موقع و همچنین کمک به اصلاح مسیر تغییرات اجتماعی عنوان کرد، او مطالعات مفصلی پیرامون شاخص‌های اجتماعی انجام داده است (شارپ، ۱۹۹۹، ص. ۷۳). در همین زمان شارپ (۱۹۹۹) نیز مقاله‌ای پیرامون شاخص‌های عمدهٔ رفاه اقتصادی و اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی ارائه و پنج شاخص مذکور در ذیل را که از نظر تاریخی روند رفاه را تحت تأثیر قرار دادند، بررسی کرد. این شاخص‌ها عبارتند از:

- معیار رفاه اقتصادی[3] که نورد هوس و توبین (۱۹۷۰) ارائه کردند.
- شاخص پیشرفت واقعی[4] که مؤسسهٔ تعریف مجدد پیشرفت سانفرانسیکو آن را ارائه کرده است.
- شاخص رفاه اقتصادی[5] که مرکز مطالعات استانداردهای زندگی آن را توسعه داده است.
- شاخص سلامتی جامعه[6] که مارک میرینگوف از مؤسسهٔ نوآوری سیاست اجتماعی وابسته به دانشگاه فوردهام آن را توسعه داده است.

1. Osberg
2. Land
3. Genuine Progress Indicator (GPI)
4. Genuine Progress Indicator (GPI)
5. Index of Economic Welfare (IEF)
6. Index of Social Health (ISH)

- شاخص استانداردهای زندگی[1] که سالرنو[2] (۱۹۹۸) برای مؤسسهٔ فریزر ارائه کرده است.
- شارپ (۱۹۹۰)، به منظور نشان دادن ابعاد هر یک از این شاخص‌ها جدول ۱، را تنظیم کرده است.

جدول ۱- ابعاد درنظر گرفته شده در هر یک از شاخص‌های رفاه

مأخذ: شارپ (۱۹۹۰)

مؤلفه	معیار رفاه اقتصادی (MEW)	شاخص پیشرفت واقعی (GPI)	شاخص رفاه اقتصادی (IEW)	شاخص سلامت جامعه (ISH)	شاخص استانداردهای زندگی (ILS)
درآمد/ دستمزد[3]					
مصرف[4]					
فعالیت‌های غیر بازاری[5]					
فراغت[6]					
پرداخت های دولتی[7]					
امکانات خانوار[8]					
پرداخت های جبرانی[9]					
موجودی سرمایه[10]					

1. Index of Living Standards (ILS)
2. Salerno
3. Income/wages
4. Personal consumption
5. Non-market activities
6. Leisure
7. Government spending
8. Household facilities
9. Regrettables
10. Capital stock

ادامه جدول ۱

مؤلفه	معیار رفاه اقتصادی (MEW)	شاخص پیشرفت واقعی (GPI)	شاخص رفاه اقتصادی (IEW)	شاخص سلامت جامعه (ISH)	شاخص استانداردهای زندگی (ILS)
دارایی‌های مالی[1]					
تحقیق و توسعه[2]					
منابع طبیعی[3]					
نیل به تحصیلات[4]					
آلودگی[5]					
بدهی خارجی[6]					
توزیع درآمد[7]					
فقر[8]					
بیکاری[9]					
پوشش‌برنامه‌های اجتماعی[10]					
پرداخت برای سلامتی[11]					
جرایم[12]					
امید به زندگی[13]					

1. Financial wealth
2. R&D
3. Natural resources
4. Educational attainment
5. Pollution
6. Foreign debt
7. Income distribution
8. Poverty
9. Unemployment
10. Social program coverage
11. Health spending
12. Crime
13. Life expectancy

ادامه جدول ۱

مؤلفه	معیار رفاه اقتصادی (MEW)	شاخص پیشرفت واقعی (GPI)	شاخص رفاه اقتصادی (IEW)	شاخص سلامت جامعه (ISH)	شاخص استانداردهای زندگی (ILS)
شاخص‌های اجتماعی[1]					

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تمامی این شاخص و معیارها به درآمد و مصـرف تأکیـد ویژه‌ای داشتنه‌اند که نشان‌دهندهٔ اهمیت این دو بعـد در محاسـبهٔ معیـار و شـاخص‌هـای رفـاه است.

۳. ۲. چگونگی محاسبهٔ رفاه در پژوهش حاضر

همانطور که در جدول (۱)، مشاهده می‌شود مصرف و درآمد از ابعـاد مهـم شـاخص رفـاه است. همچنین، دیاگنا[2] (۱۹۹۹) و موایلا و تولنس[3] (۲۰۱۲) نیز برای نشـان‌دادن شـاخص‌هـای رفاه در مطالعهٔ خود از معیارهای درآمد کل و مصرف مواد غذایی (کالری و پروتئین مصـرفی) استفاده کرده‌اند. در پژوهش حاضر برای محاسبهٔ مصرف مواد غذایی مشابه با مطالعهٔ دیاگنـا از معیارهای کالری و پروتئین مصرفی استفاده شد. بنابراین، معیارهای رفـاه در نظـر گرفتـه شـده شامل درآمد، کالری و پروتئین مصرفی است که در ادامه نحوهٔ محاسبهٔ آن‌ها بیان شده است.

۳ . ۳ . روش تحقیق

با توجه به ساختار داده‌ها (داده‌هـای تـابلویی) و وجـود سیسـتمی شـامل سـه معادلـه کـه همبستگی هم‌زمان اجزای اخلال آن توسط آمارهٔ LM[4] آزمـون شـده، از الگـوی اقتصادسـنجی سیستم‌های ظاهراً نامرتبط پانل استفاده شد که در بیشتر مواقع در مقایسـه بـا حـداقل مربعـات معمـولی کـارایی بیشـتری دارد. در ادامـه نحـوهٔ محاسـبهٔ شـاخص‌هـای رفـاهی و الگـوی اقتصادسنجی بیان می‌شود. از طرفی با توجه به این‌که معادلات بررسی‌شده به صورت سیستمی

1. Social indicators
2. Diagna
3. Muayila and Tollens
4. Lagrange Multiplier Test

بوده و احتمال وابستگی اجزای اخلال وجود دارد و ضمن این‌که داده‌های پانل بررسی‌شده به صورت نامتوازن بود از روش پانل شور[1] نامتوازن استفاده شد.

به منظور محاسبهٔ کالری و پروتئین مصرفی، در ابتدا مقدار مصرف خانوارها از کالاهای مختلف به گروه‌هایی طبقه‌بندی شده که براساس کالری و پروتئین گزارش‌شده از سوی وزارت بهداشت یا سازمان بهداشت جهانی، مقدار کالری و پروتئین مصرفی خانوارها محاسبه شده است. براین اساس، در پژوهش حاضر ۸ گروه غذایی؛ (۱) گروه غلات: برنج (انواع برنج‌های داخلی و خارجی)، نان (انواع نان) و جو، (۲) گروه گوشت: گوشت‌های سفید (گوشت ماهی و مرغ) و گوشت قرمز (گوشت گوسفند و گاو و مشتقات آن نظیر سوسیس و کالباس)، (۳) گروه لبنیات: شیر و فرآورده‌های شیری (پنیر، ماست، سرشیر و خامه)، (٤) گروه روغن‌ها: شامل روغن حیوانی و نباتی، (٥) گروه میوه‌جات: شامل میوه‌های هسته‌دار، مرکبات و میوه‌های جالیزی، (٦) گروه سبزیجات (برگی و غیربرگی)، (۷) گروه حبوبات (نخود، لپه نخود، و لوبیا قرمز) و (۸) گروه قند و شکر در نظر گرفته شده است، سپس مقدار کالری و پرتئین مصرفی روزانهٔ هر خانوار به دست آمد. برای محاسبهٔ درآمد سالانهٔ کشاورزان نیز، درآمدهای حاصل از فروش محصولات تولیدی در طی یک سال، با درآمدهای غیرکشاورزی مانند اجاره و سود سپرده جمع شده و مقدار یارانه‌های دریافتی به آن اضافه شده است.

الگوی سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط استفاده‌شده در این مطالعه به صورت زیر است:

رابطهٔ(۲)
$$Calorie_{it} = \beta_{01} + \beta_{11}Bod_{it} + \beta_{21}Education_{it} + \beta_{31}Activity_{it} + \beta_{41}Expenditure_{it} + \beta_{51}Income_{it} + \beta_{61}Subsidy_{it} + u_i + \varepsilon_{it}$$

رابطهٔ(۳)
$$Protein_{it} = \beta_{02} + \beta_{12}Bod_{it} + \beta_{22}Education_{it} + \beta_{32}Activity_{it} + \beta_{42}Expenditure_{it} + \beta_{52}Income_{it} + \beta_{62}Subsidy_{it} + u_i + \varepsilon_{it}$$

رابطهٔ(٤)
$$Income_{it} = \beta_{03} + \beta_{13}Bod_{it} + \beta_{23}Education_{it} +_{it} \beta_{33}Subsidy_{it} + \beta_{43}Land_{it} + \beta_{53}Garden_{it} + \beta_{63}Animal_{it} + u_i + \varepsilon_{it}$$

در روابط بالا، $Calorie_{it}$ کالری مصرفی خانوار i در زمان t، Bod_{it} تعداد اعضای خانوار i در زمان t، $Education_{it}$ سطح سواد خانوار i در زمان t، $Activity_{it}$ فعالیت خانوار i در زمان t، به صورت متغیرهای مجازی (زراعت‌کار، دامدار و باغدار)، $Expenditure_{it}$ هزینه‌های

1. Seeming Unrelated Regression on Panel data

خوراکی خانوار i در زمان t، $Income_{it}$ درآمد خانوار i در زمان t، $Subsidy_{it}$ یارانه دریافتی خانوار i در زمان t، $Land_{it}$ سطح زیرکشت خانوار i در زمان t، $Garden_{it}$ مساحت باغ خانوار i در زمان t، $Animal_{it}$ تعداد دام خانوار i در زمان t است. ضرورت ورود متغیر مجازی نوع فعالیت به خاطر این است که ضرورت وجود یارانه بر رفاه هر گروه بررسی شود.

برای برآورد سیستم معادلات فوق از سیستم ترکیبی معادلات ظاهراً نامرتبط و داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده می‌شود. این سیستم تعمیمی از سیستم‌های معادلات به ظاهر نامرتبط است که تخمین‌زن حداکثر راستنمایی آن توسط آوری[1] (۱۹۷۷)، بالتاجی[2] (۱۹۸۰) و مگنوس[3] (۱۹۸۲) ارائه شده است. در این تعمیم‌ها فرض توازن داده‌های تابلویی که از نقطه نظر عملی یک فرض کاملاً محدود کننده است، در نظر گرفته شده بود؛ چون اغلب مجموعه داده‌ها سری‌های زمانی برای افراد یا واحدهای مختلف دارای طول نامساوی هستند و به عباراتی داده‌های تابلویی به صورت نامتوازن است، گسترش و توسعهٔ این مدل‌ها و اثرات فردی تصادفی توسط بالتاجی (۱۹۸۵) و بایورن[4] (۲۰۰٤) بررسی شده‌اند.

قبل از برآورد معادلات سیستمی، ابتدا ایستایی سری‌های مورد بررسی با استفاده از روش لوین، لین و چو[5] (LLC) بررسی شد. سپس آزمون‌های چاو، ضریب لاگرانژ و هاسمن برای هر یک از معادلات صورت گرفت و در نهایت با استفاده از روش رگرسیون به ظاهر نامرتبط برای داده‌های پانل، پارامترها برآورد شد. لازم به ذکر است آزمون‌های همخطی، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی نیز با توجه به آماره‌ها و آزمون‌های مربوطه انجام شد. همچنین، برای انتخاب بهترین الگو، الگوی خطی، الگوی لگاریتمی- لگاریتمی و الگوی لگاریتمی- خطی برآورد شد و با استفاده از معیارهای اقتصادسنجی (آماره F، t معنی‌دار بودن ضرایب، معیارهای آکائیک و شوارتز بیزین و حنان کوئین) الگوی لگاریتمی – لگاریتمی تعیین شد، لازم به ذکر است که در این الگو از متغیرهای مجازی لگاریتم گرفته نشده است.

---

1. Avery
2. Baltagi
3. Magnus
4. Biorn
5. Levin, Lin and Chu

در این پژوهش تعداد ۳۳ خانوار روستایی استان خراسان رضوی برای دورهٔ زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۹ در نظر گرفته شد. در جداول (۱) و (۲) ویژگی‌های آماری مربوط به متغیرهای کیفی و کمی پژوهش آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ۱٤ نفر از سرپرستان خانوار با سواد بودند که ٤۲/٤۲ درصد کل نمونه را شامل می‌شوند و ۱۹ درصد از سرپرستان بی سواد بوده‌اند و علاوه بر این متغیر نوع فعالیت نشان می‌دهد که از کل نمونهٔ مورد بررسی ٦ نفر زارع (معادل ۱۸/۱۸ درصد حجم نمونه)، ۱۹ نفر باغدار (معادل ۵۷/۵۷ درصد نمونه) و ۸ نفر؛ یعنی ۲٤/۲٤ درصد کل نمونه دامدار بوده‌اند. در مجموع بر اساس آمارهای توصیفی بیان‌شده در جدول، بیشتر کشاورزان مورد بررسی به شغل باغداری اشتغال داشته و از نظر سطح سواد نیز بی‌سواد بوده‌اند.

جدول ۲- ویژگی‌های آماری متغیرهای کیفی نمونهٔ مطالعه‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

شرح		کل مشاهدات	
		فراوانی	درصد
تحصیلات سرپرست خانوار	با سواد	۱٤	٤۲/٤۲
	بی سواد	۱۹	۵۷/۵۷
	کل	۳۳	۱۰۰
نوع فعالیت	زارع	٦	۱۸/۱۸
	باغدار	۱۹	۵۷/۵۷
	دامدار	۸	۲٤/۲٤
	کل	۳۳	۱۰۰

جدول ۳- ویژگی‌های آماری متغیرهای کمی نمونهٔ مطالعه‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

متغیر	کل مشاهدات	
	میانگین	انحراف معیار
سن سرپرست خانوار (سال)	۵۲/۲۱	۱٦/۸۱
تعداد اعضای خانوار (نفر)	۳/٦	۱/٦

ادامه جدول ۳

متغیر	کل مشاهدات	
	میانگین	انحراف معیار
مساحت باغ (هکتار)	۲/۸	۳/۵
تعداد دام کوچک (رأس)	٦۰/۵	۳۱/۹
سطح زیرکشت زراعی (هکتار)	۲/۲۵	۱/۹۸
هزینهٔ مواد خوراکی (تومان درماه)	۲۱۵۳۵	۱۳٦۱۹۵
یارانه (تومان در سال)	۲۲۰۸۵۰۰	۱۰۰۵۵۸٦
درآمد کل خانوار (تومان در سال)	۸۹٤٤۰۵۵/۸	۷۸٤۸۸۲۸/۱
میزان کالری خانوار (کالری در روز)	۸۸۸۱/۱۲	٤۲۱۹/۳٤
میزان پروتئین خانوار (گرم در روز)	۲۱۷/۷۵	۱۱۸/٤۱

۳. ٤. منطقهٔ مطالعه‌شده

منطقهٔ مطالعه‌شده در پژوهش حاضر به منظور بررسی اثـر یارانـهٔ نقـدی پرداختـی توسـط دولت بر شاخص‌های رفاهی خانوارها، استان خراسان رضوی است. برای دسـتیابی بـه هـدف پژوهش، اطلاعات طرح‌های تفصیلی هزینه و درآمد ۱۸۰ خانوار روسـتایی در اسـتان خراسـان رضوی از طریق مرکز آمار ایران جمع‌آوری شد که برای سال‌های ۱۳۹۱–۱۳۸۹ استفاده شـده است. لازم به توضیح است که از بین ۱۸۰ خانوار بررسی‌شـده، اطلاعـات درآمـد و هزینـهٔ ۳۳ خانوار در بین نمونه‌ها به صورت مداوم در طی سه سال بررسی شد.

٤. یافته‌های تحقیق

قبل از ارائهٔ نتایج الگوی برآورد شده، ابتدا لازم اسـت مانـایی متغیرهـای پیوسـته مـدل بررسـی شوند. نتایج آزمون ایستایی با توجه به آمارهٔ LCC در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ٤- نتایج آزمون ایستایی متغیرهای مورد استفاده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

متغیر	آماره	P-value
کالری مصرفی	۱۷/۳۹-	۰/۰۰۰
پروتئین مصرفی	۱۷/٤۲-	۰/۰۰۰
هزینه	۱٥/۹۱-	۰/۰۰۰
درآمد	۱٥/٤٦-	۰/۰۰۰
یارانه	۱٦/۳-	۰/۰۰۰

با توجه به فرضیهٔ صفر مبنی بر وجود ریشهٔ واحد و ناایستایی متغیرها مشاهده می‌شود که برای همهٔ متغیرهای مورد بررسی فرضیهٔ صفر رد شده و در نتیجه همهٔ متغیرها ایستا هستند. به منظور بررسی ناهمسانی واریانس در مدل بررسی‌شده از آمارهٔ ضریب لاگرانژ بروش پاگان استفاده شد. نتایج این آزمون برای سه معادلهٔ کالری، پروتئین و درآمد کل در جدول (٤) آورده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس در هر سه معادله پذیرفته می‌شود. بنابراین، هیچ یک از معادله‌های برآورد شده با مشکل ناهمسانی واریانس مواجه نیستند.

جدول ٥- نتایج آزمون LM پروش پاگان برای ناهمسانی واریانس

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

معادله	آزمون چاو (آماره χ^2)	P-value
معادلهٔ کالری	۰/۰۳	۰/٤۲۷۲
معادلهٔ پروتئین	۱/۰٦	۰/۱٥۱٥
معادلهٔ درآمد	۰/۹۳	۰/۱٦۷۱

افزون بر این، به منظور بررسی هم‌خطی متغیرها، پس از برآورد رگرسیون با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی(OLS)، مقادیر عامل تورم واریانس (VIF) به دست آمد که نتایج آزمون VIF نشان می‌دهد هیچ یک از متغیرها با هم هم‌خطی ندارند. همچنین، عدد وضعیت مربوط به

معادلات کالری مصرفی، پروتئین مصرفی و درآمد کل بـه ترتیـب ۳/۰۵ و ۸/۱٤ و ۸/۱٤ اسـت کـه همگی کمتر از ۳۰ بوده و دال بر عدم وجود هم‌خطی است.

جدول (۵) نتایج حاصل از بررسی اثر یارانه‌ها بر رفاه خانوار را نشان می‌دهد. به منظور بررسـی وجود همبستگی بین اجزای اخلال معادلات، از آمارهٔ خودهمبستگی بـه روش پاگـان اسـتفاده شـد. نتیجهٔ آزمون با توجه به جدول (۵) نشان می‌دهد معادلات به هم مـرتبط بـوده و اسـتفاده از الگـوی سیستم معادلات هم‌زمان ضروری است. همچنین، با توجه به این‌کـه در سیسـتم معادلـات ضـریب خوبی برازش تکی معادلات چندان قابل اعتمـاد نیسـت از آمـاره ضـریب خـوبی بـرازش سیسـتم استفاده می‌شود (الروی[1]، ۱۹۹۷، ص. ۳۸۱). در این پـژوهش ایـن آمـاره، مقـدار مطلـوب ۰/۸٤ را نشان می‌دهد که بیانگر آن است که متغیرهای مسـتقل سیسـتم رگرسـیون‌هـای بـه ظـاهر نـامرتبط، توانسته‌اند ۸٤ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته را توجیه کنند.

بررسی نتایج الگو نشان می‌دهد که عواملی مانند سـطح سـواد، نـوع فعالیـت، هزینـهٔ خـوراکی، سطح زیرکشت و مساحت باغ اثر مثبت بر شاخص‌های رفاه داشته و یارانه و تعداد اعضای خـانوار اثر منفی بر شاخص‌های امنیت غذایی و اثر مثبت بر شاخص درآمـد کـل داشـته‌انـد. بـا توجـه بـه جدول (۳)، متغیر تعداد اعضای خانوار همانطور که انتظار می‌رفت اثر منفی و معنی‌داری بـر هـر دو شاخص امنیت غذایی داشته است به طوری که با افزایش یک درصدی اعضـای خـانوار، کـالری و پروتئین مصرفی خانوار به‌ترتیب ۰/۵٤ و ۰/۲۸ درصد کاهش می‌یابـد. بـه بیـان دیگـر، بـا افـزایش تعداد فرزندان و اعضای خانوار، دسترسی تک تک افراد به مواد غذایی به‌طور نسـبی کمتـر شـده و امنیت غذایی نیز کاهش می‌یابد که نتیجهٔ به دست آمده سازگار با نتایج راماکریشـا و آسـفا[2] (۲۰۰۲) است. تأثیر متغیر بعد خانوار بر شاخص درآمد کل، مثبت و معنی‌دار است به طوری که یک درصـد افزایش در تعداد اعضای خانوار ۰/۸۷ درصد درآمد کل را افزایش داده اسـت. از آن‌جـا کـه تعـداد اعضای بیشتر خانواده می‌تواند به‌عنوان نیروی‌کار بیشـتر باشـد و در نتیجـه موجـب کسـب درآمـد بیشتر در خانوار شود. بنابراین، اثر مثبت بعد خانوار بر افزایش رفاه از منظـر درآمـد کـل مطـابق بـا انتظار است.

1. Elroy
2. Ramakrishna and Assefa

متغیر سطح سواد بر هر سه شاخص رفاه اثر مثبت و معنی‌داری داشته است، بـه طـوری کـه بـا افزایش احتمال قرار گرفتن سرپرست خانوار در گروه افراد با سواد نسبت به بی‌سواد، شاخص‌هـای کالری، پروتئین مصرفی و درآمد کل به ترتیب ۰/۳۳، ۰/۰۸ و ۱۲/۶۰ درصد افزایش می‌یابـد. مثبـت بودن اثر متغیر سواد بر کالری و پروتئین مصرفی نشان می‌دهد که هر چه سـواد سرپرسـت خـانوار بیشتر می‌شود آگاهی وی نسبت به مقدار مورد نیاز انسـان بـه کـالری و پـروتئین بیشـتر مـی‌شـود. بنابراین، خانوار را به سمت مصرف متعادل‌تر در این دو شاخص امنیت غذایی هدایت می‌کنـد. اثـر مثبت سطح سواد بر درآمد کل نیز به این صورت است که با افزایش تحصیلات فرد می‌تواند افـزون بر کسب درآمد از شغل خارج از مزرعه، با افزایش کارایی در فعالیت‌هـای داخـل مزرعـه از طریـق کسب اطلاعات بیشتر در امور فنی و مالی مربوط به مزرعه، درآمد خود را افزایش دهد.

جدول ٦- نتایج بررسی عوامل مؤثر بر رفاه خانوارهای روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

متغیر مستقل	متغیروابسته		
	کالری روزانهٔ خانوار	پروتئین روزانهٔ خانوار	درآمد کل
تعداد اعضای خانوار	-۰/٥٤ (-٦/٣٦**)	-۰/۲۸ (-۲/۷۷**)	۰/۸۷ (۲۹/۲**)
وضعیت سواد	۰/۳۳ (۳/۲۹**)	۰/۰۸ (۰/۷۹)	۱۲/٦۰ (٤/۳۸**)
نوع فعالیت(زراعتکار)	٥/۱۳ (٦/۸۹**)	۰/۹۱ (۰/۹۸)	
نوع فعالیت (دامدار)	٥/۲۲ (۷/٥۷**)	۱/٤٥ (۱/٥۲)	
نوع فعالیت (باغدار)	٥/۲۲ (۷/۳۷**)	۱/۰٤ (۱/۱٤)	
هزینهٔ مواد خوراکی	۰/۱٥ (۲/۱٤*)	۰/۳٤ (٤/۹۳**)	
یارانه	-۰/۰۲ (-۲/۸٥**)	-۰/۰۷ (-٥/۳۳**)	۰/۰٤ (۳/۲۸**)
درآمد کل	۰/۰۹ (۲/٥۸*)	۰/۱۱ (۲/۷۱**)	
تعداد دام			۱/۳۰ (۲/۰۸*)
مساحت باغ			۰/٥٦ (۰/۷۱)
سطح زیرکشت			۰/۱۱ (۰/٤٤)
Breusch and Pagan Correlation χ^2 = ۱٥/۰٤ P-value= ۰/۰۰۱۸			
System R2= ۰/۸٤			

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهندهٔ مقادیر Z است. ** و * معنی‌داری در سطح ۱ درصد و ٥ درصد

از دیگر عوامل مؤثر بر سطح رفاه نوع فعالیت کشاورزی است. همانگونه که پیشتر اشاره شد کشاورزان در نمونهٔ مورد بررسی به سه فعالیت زراعت، دامداری و باغداری مشغول بوده‌اند که با توجه به جدول (۵) هر سهٔ این فعالیت‌ها، بر شاخص کالری مصرفی خانوار اثر مثبت و معنی‌دار داشته و بر شاخص پروتئین اگرچه اثر مثبت داشته؛ اما معنی‌دار نبوده است. به عبارت دیگر، اشتغال به هر یک از این فعالیت‌ها منجر به افزایش شاخص رفاه از منظر کالری مصرفی شده است. دلیل اثرگذاری مثبت نوع فعالیت بر شاخص‌های کالری و پروتئین مصرفی این است که هر چه سطح فعالیت اصلی خانوارهای بررسی‌شده توسعه یابد درآمد خانوار نیز افزایش یافته و متعاقباً میزان مصرف مواد خوراکی نیز افزایش یافته و در نتیجه شاخص‌های کالری و پروتئین مصرفی و رفاه خانوار افزایش می‌یابد. در ارتباط با شاخص درآمد کل، به جای استفاده از متغیر نوع فعالیت از متغیرهای سطح زیرکشت، مساحت باغ و تعداد دام استفاده شد. همانطور که در سه سطر آخر جدول (۵) نشان داده شده است هرسه متغیر بیان‌شده –همانطور که انتظار می‌رفت– اثر مثبت بر درآمد کل داشته و اثر تعداد دام مثبت و معنی‌دار بوده است.

دو متغیر هزینه‌های خوراکی و درآمد کل، دیگر مؤلفه‌های اثرگذار بر شاخص‌های رفاهی کالری و پروتئین مصرفی است. بر اساس نتایج، یک درصد افزایش هزینه‌های خوراکی به‌ترتیب ۰/۱۵ و۰/۳٤ درصد کالری و پروتئین مصرفی را به طور معنی‌داری افزایش می‌دهد. در ارتباط با درآمد کل نیز مشابه با هزینه‌های خوراکی، افزایش در پروتئین مصرفی بیشتر از کالری مصرفی بوده است.به طوری که یک درصد افزایش در درآمد کل به‌ترتیب ۰/۰۹ و ۰/۱۱ درصد کالری و پروتئین مصرفی را افزایش داده است. تأثیر مثبت درآمد بر کالری و پروتئین مصرفی سبب بهبود امنیت غذایی شده و این با یافته‌های آرنه و آنیائیجی[1] (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

با توجه به هدف این پژوهش، اثر یارانه‌های پرداختی بر شاخص‌های رفاه بررسی شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت یارانه‌ها اثر مثبت و معنی‌دار بر درآمد کل داشته است. به‌عبارت دیگر، پرداخت یارانه‌های نقدی منجر به افزایش درآمد کل خانوارهای روستایی شده است. به طوری که یک درصد افزایش در یارانهٔ پرداختی ۰/۰٤ درصد درآمد کل خانوار را افزایش داده است؛ اما این متغیر بر شاخص‌های امنیت غذایی؛ یعنی کالری و پروتئین مصرفی خانوارها نه تنها اثر مثبتی

1. Arene and Anyaeji

نداشته؛ بلکه منجر به کاهش این شاخص‌ها نیز شده است، به طوری که یک درصد افزایش در یارانهٔ دریافتی به ترتیب ۰/۰۲ و ۰/۰۷ درصد کالری و پروتئین مصرفی خانوار را کاهش می‌دهد. مهم‌ترین دلیل اثرگذاری منفی این متغیر را می‌توان به تورم شدید و افزایش شدید قیمت کالاهای خوراکی بعد از هدفمندی یارانه‌ها نسبت داد. به عبارت دیگر، بعد از پرداخت یارانه‌ها به دلیل افزایش حجم نقدینگی در کشور و تحریم‌های اقتصادی اعمال شده، تورم به‌ویژه در سال ۱۳۹۱ به ۳۰/۵ درصد افزایش یافت (بانک مرکزی، ۱۳۹۱) که این افزایش قیمت‌ها منجر به کاهش شدید قدرت خرید خانوارها شده به طوری که به بسیاری از خانوارها حتی مصرف مواد خوراکی خود را نیز کاهش دادند. بررسی مطالعهٔ انجام‌شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس نیز نتیجهٔ به دست آمده؛ یعنی اثرگذاری منفی یارانه‌ها بر شاخص‌های امنیت غذایی را تأیید می‌کند. بنابراین، یارانه‌-های نقدی پرداختی؛ اگرچه به مقدار جزئی درآمد کل خانوارهای روستایی را افزایش داده است به دلیل تورم‌های ناشی از افزایش نقدینگی حاصل از آن، عملاً قدرت خرید و درآمد واقعی خانوارها کاهش یافته و در نتیجه امنیت غذایی و کل رفاه خانوار با مخاطرات بیشتری رو به رو شده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه اثر یارانه‌های نقدی پرداختی دولت بر شاخص‌های رفاه (کالری و پروتئین مصرفی به عنوان شاخص‌های امنیت غذایی و درآمد کل) خانوارهای روستایی خراسان رضوی بررسی شد. نتایج مطالعه نشان داد که متغیرهای سطح سواد، نوع فعالیت، هزینهٔ خوراکی، سطح زیرکشت و مساحت باغ اثر مثبتی بر شاخص‌های رفاه داشته‌اند که با افزایش این متغیرها، کالری و پروتئین مصرفی خانوارها و درآمد کل افزایش یافته است. یارانه‌های نقدی اگرچه درآمد کل خانوارها را به مقدار جزئی افزایش داده است؛ اما به دلیل افزایش نقدینگی و تورم، عملاً قدرت خرید و درآمد واقعی خانوارها را کاهش داده و منجر به کاهش شاخص‌های امنیت غذایی (کالری و پروتئین مصرفی) نیز شده است. از آن‌جا که امروزه بحث امنیت غذایی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به تأمین رفاه در هر جامعه‌ای است و با توجه به تأکید قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر تأمین ۲۹ گرم روزانهٔ پروتئین برای هر فرد، پیشنهاد می‌شود دولت نسبت به پرداخت یارانه‌های نقدی تجدیدنظر کند و حداقل دربارهٔ مواد غذایی ضروری مانند قبل، سیستم یارانهٔ کالایی را برای خانوارهای روستایی در نظر

بگیرد تا از این طریق ضمن دستیابی به هدفمندسازی یارانه‌ها، به افزایش رفاه خانوارهای روستایی نیز کمک کند.

۶. سپاسگزاری

مقالهٔ حاضر برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی هدفمندی یارانه‌ها بر رفاه خانوارهای کشاورزی (مطالعهٔ موردی شهرستان مشهد)» و کد ۳۲۶۵۹ است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی انجام شده است. بدینوسیله نویسندگان مقاله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه و معاونت محترم پژوهشی دانشکدهٔ کشاورزی قدردانی می‌کنند.

کتاب‌نامه

۱. آقایاری هیر، م.، صادقی، ح.، عصاری، ع. و سحابی، ب. (۱۳۹۷). تأثیر یارانهٔ نقدی بر الگوی مخارج خانوارهای شهری و روستایی در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعهٔ پایدار)*، *۱۸* (۱)، ۱۷۷–۱۵۵.

۲. بانک مرکزی. (۱۳۹۱). *گزارش‌های کارشناسی*. تهران: انتشارات بانک مرکزی.

۳. بانویی، ع. و پروین، س. (۱۳۸۷). تحلیل‌های سیاستی آثار حذف یارانه‌های کالاهای اساسی بر شاخص هزینهٔ زندگی خانوارهای شهری و روستایی در چارچوب تحلیل مسیر ساختاری. *نشریهٔ اقتصاد مقداری*، *۴* (۵)، ۱۲–۱.

۴. پرمه، ز. (۱۳۸۴). آثار افزایش قیمت کالاهای اساسی بر سطوح قیمت‌ها با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی. *نشریهٔ پژوهش‌های* اقتصادی، *۵*(۱۵)، ۶۴–۵۱.

۵. تشکینی، الف.، شفیعی، الف. و عریانی، ب. (۱۳۸۷). *ویژگی‌ها و الزامات رژیم تجاری ایران با هدف یارانه انرژی*. ادارهٔ امور اقتصادی و دارایی. واحد مطالعات اقتصادی. گزارش شمارهٔ ۲۴۵–۱.

۶. خدادادکاشی، ف. و شکیهی‌تاش، م. (۱۳۸۸). روش‌های شناسایی اقشار آسیب‌پذیر. *مجلهٔ اقتصادی، ویژه نامهٔ هدفمندسازی یارانه‌ها*، ۴۰، ۶۹–۵۳.

۷. خسروی نژاد، ع. (۱۳۸۸). اندازه‌گیری اثرات رفاهی حذف یارانهٔ کالاهای اساسی بر خانوارهای شهری ایران. *نشریهٔ پژوهش‌های اقتصادی*، *۱۳* (۵۰)، ۳۱–۱.

۸. زاهدی اصل، م. (۱۳۸۱). *مبانی رفاه اجتماعی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشوری. (۱۳۸۰). نظام هدفمندسازی یارانه‌ها. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۰.صادقلو، ط. و قیداری، م. (۱۳۹۷). تحلیل اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی (مطالعهٔ موردی: روستاییان عضو کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی شهرستان خدابنده). *پژوهش‌های جغرافیای انسان، ۵۰* (۱) ، ۱۸۰–۱۶۳ .

۱۱. صادقی، ح.، عصاری، ع. و مسائلی، ا. (۱۳۸۵). رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران با استفاده از منطق فازی. *فصل‌نامهٔ پژوهش های اقتصادی، ۳* (۱۰)، ١٦٦- ١٤٣.

۱۲. صیادزاده، ع. و احمدی، س. م. م. (۱۳۸۵). بررسی تابع رفاه اجتماعی آمارتیاسن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی. نامه اقتصادی، ۲ (۲)، ۱۳۸–۱۲۳.

۱۳. طرازکار، م. و زیبایی، م. (۱۳۸۹) .بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع شهری و روستایی، مطالعهٔ موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ٤٨، ١٦٦–١٣٧.

١٤. طولابی‌نژاد، م.، فراهانی، ح. و پیرایش، ر. (۱۳۹۲). ارزیابی نقش یارانه‌های نقدی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی، مطالعهٔ موردی: دهستان جایدر شهرستان پلدختر. *فصل‌نامهٔ علمی – پژوهشی فضای جغرافیایی* ، *۱۵*(۵۰)، ۳۷–۱۹.

۱۵. عمرانی، م.، فرج زاده، ذ. و دهمرده، م. (۱۳۸۸). عامل‌های تعیین‌کنندهٔ فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقهٔ سیستان. *مجلهٔ تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۲، ٤٢–۲۱.

١٦.قاسمی، م.، عبداللهی، س و خاکشور امان آباد، ح. (۱۳۹۳). بررسی اثرات مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان بینالود). *پژوهش و برنامه‌ریزی* روستایی، ۳ (٦)، ۱۳۱–۱۱۷.

۱۷. قنبری، س.، خسروی، م. و محمدی، س. (١٣٩٤). ارزیابی تأثیرات هدفمندسازی یارانه‌ها بر پایداری شاخص‌های اقتصاد روستایی (مطالعهٔ موردی: دهستان سردابه، شهرستان اردبیل). *جغرافیا و توسعه* ، ٤٢، ١٠٦–٨٣.

۱۸. قیداری، ح. (١٣٩٤). تحلیل تأثیرات پرداخت یارانه‌های نقدی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی (مطالعهٔ موردی: روستای دهستان شیرینگ). *فصل‌نامهٔ مجلس و راهبرد*، ۲۳ (۸۵)، ١٤١–١٠٨.

۱۹. کریمی، س.، راسخی، س و احسانی، م. (۱۳۸۸). بررسی تقاضای مواد غذایی مشمول یارانه در مناطق شهری ایران با استفاده از مدل ARDL به منظور الویت‌بندی تخصیص یارانه. *نشریهٔ پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳* (۳۹)، ۱۶۶- ۱۴۷.

۲۰. موسی‌خانی، غ. (۱۳۷۸). *تجزیه و تحلیل رفاه اجتماعی ایران و اثرپذیری آن از نابرابری درآمدی.* (پایان‌نامه منتشرنشدهٔ کارشناسی ارشد مدیریت)، دانشگاه شیراز، ایران.

۲۱. نجفی، ب. (۱۳۷۱). *بررسی برخی اثرات اعطایی اعتبارات کشاورزی در استان فارس، گزارش طرح پژوهشی.* شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۲۲. یاری حصار، ا.، پریشان، م. و حیدری ساربان، و. (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیرات هدفمندسازی یارانه‌ها بر پایداری شاخص‌های اقتصاد روستایی (مطالعهٔ موردی: دهستان سردابه، شهرستان اردبیل). *پژوهش‌های روستایی* ، *۸* (۳)، ۵۵۳-۵۳۶.

23. Adams, R. H. J. (2005). *Self-targeted subsidies: The distributional impact of the Egyptian food subsidy system*. Retrived from https:// openknowledge. worldbank. org/ handle/10986/22207.
24. Ahmed, A. U., & Bouis, H. E. (2002). Weighing what’s practical: proxy means tests for targeting food subsidies in Egypt. *Food Policy, 27*(5), 519-540.
25. Anderson, K. (1995). The political economy of coal subsidies in Europe. *Energy Policy*, *23*(6), 485-496.
26. Arene, A., & Anyaeji, N. (2010). Determinants of food security among households in Nsukka metropolis of Enugu State, Nigeria. *Journal of Social Science*, *30*, 9-16.
27. Avery, R. B. (1977). Error components and seemingly unrelated regressions. *Econometrica*, *45*(1), 199-209.
28. Baltagi, B. H. (1980). On seemingly unrelated regressions with error components. *Econometrica, 48*(6), 1547-1551.
29. Baltagi, B. H. (1985). Pooling cross-sections with unequal time-series lengths. *Economics Letters*, *18*(2), 133-136.
30. Biørn, E. (2004). Regression systems for unbalanced panel data: a stepwise maximum likelihood procedure. *Journal of Econometrics, 122*(2), 281-291.
31. Bohringer, C. (1995). *Carbon taxes and national policy constraints: The case of German coal*. Retrieved from Stuttgart, Germany.
32. Borfman, J., Bohman, M., & C, C. (1988). *Targeted and global export subsidies and welfare impacts*. Retrieved from http:// ageconsearch. umn. edu/ record/ 51251/ files/88-7.pdf.
33. Diagna, A. (1999). *Impact of access to credit on income and food security in Malawi*. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute.

34.DRI. (1997). *Effects of phasing out coal subsidies in OECD countries, reforming energy and transport subsidies*. Retrieved from http:// http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?cote=OCDE/GD(97)70&docLanguage=EnJha, R., Gaiha, R., Pandey, M. K., & Kaicker, N. (2013). Food subsidy, income transfer and the poor: A comparative analysis of the public distribution system in India's states. *Journal of Policy Modeling, 35*(6), 887-908.

35.Magnus, J. R. (1982). Multivariate error components analysis of linear and nonlinear regression models by maximum likelihood. *Journal of Econometrics*, *19*(2), 239-285.

36.McElroy, M. B. (1977). Goodness of fit for seemingly unrelated regressions: Glahn's R2y.x and Hooper's r̄2. *Journal of Econometrics*, *6*(3), 381-387.

37.Meng, L. (2012). Can grain subsidies impede rural–urban migration in hinterland China? Evidence from field surveys. *China Economic Review*, *23*(3), 729-741.

38.Muayila, K., & Tollens, E. (2012). Assessing the impact of credit constraints on farm household economic welfare in the hinterland of Kinshasa, democratic republic of Congo. *African Journal of Food, Agriculture, Nutrition and Development*, *12*(3), 6095-6109.

39.Osberg, L., & Sharpe, A. (1988). *An index of economic well-being for Canada*. Quebec, Canada: Applied Research Branch.

40.Ramakrishna, G., & Demeke, A. (2002). An empirical analysis of food insecurity in Ethiopia: The case of North Wello. *Africa Development*, *27*(1-2), 127-143.

41.Schwartz, G., & Clements, B. (1999). Government subsidies. *Journal of Economic Surveys*, *13*(2), 119-148.

42.Sharpe, A. (1999). *A survey of indicators of economic and social well-being*. Ottawa, Canada: Centre for the Study of Living Standards.

43.Thukral, K., & Bhandari, P. M. (1994). The rationale for reducing the subsidy on LPG in India. *Energy Policy*, *22*(1), 81-87.

44.Wood, B., Nelson, C., & Nogueira, L. (2009, June). *Food price crisis: Welfare impact on Mexican households*. Paper presented at the International Agricultural Trade Research Consortium Research Symposium, Seattle, Washington D. C.

45.Work Group Economic Developments. (2008). *The overall framework for economic development plan*. Retrieved from https:// www.gov.gg/ CHttp Handler. ashx?id=99441&p=0.